

## مجید موقر

## دین و دینور

یکی از بزرگترین انگیزه‌هایی که جهش بشر را بسوی دانش و فرهنگ یاری و رهبری فرمود اختراع خط بود .

ازیرتو این اختراع بود که آدمی توانست از تاریکی نادانی بدرآید و یفراختای علم و ادب گام نهد .

درحقیقت خط کلیدی بود برگنجینه دانائی و توانائی ، آنگونه گنجینه‌ای که سرمایه از جهان نهان گیرد و گوته‌گونه گهرهای گرانمایه بعالم عیان ارزانی دارد .

این کلید ارزنده چسان و درچه زمان بدست آدمی افتاد ، رازش همچنان نهان مانده است . درکشف این معما چه بسیار گمانها زده‌اند ولی هنوز ازحقیقت دورمانده‌اند .

چهارصد سال است که دانشمندان جهان برکشف این مهم فرهنگی همت گمارده‌اند و جستجوها کرده‌اند و کوششها نموده‌اند و گمانها زده‌اند ولی هنوز کامیاب نشده‌اند که پرده‌ای ابهام و ابهام ازچهره‌ی این عروس زیبا بردارند . مثلاً آنچه دائرةالمعارف بریتانیا درشماره‌های پیشین خود دراین باره گفته نه تنها از معما چیزی نکاسته بلکه ابهام بر ابهام افزوده است ، چنین میگوید :

« چون نمیتوانیم ازروی تاریخ وحتی تخیلات خود ، اصل الفبا را تعیین کنیم ، باید

بموجب مدارك صحيح علمای يهود ، نسبت آنرا بآدم بدهيم ويا اينكه بگوئيم اين اختراع از اختراعات بشر نيست والفا از آسمان نازل شده است !

« هلمونت » محقق هلندی که در قرن هفدهم ميلادی کاوشهایی در باره‌ی الفبا نموده و کتابی به لاتين بنام «الفباي طبيعي» نوشته ، باين نتيجه رسیده که الفبا از بهشت آمده و از روی مقاطع دهان آدمی ساخته شده است .

توليو **Tullio** محقق دیگری اظهار عقیده میکند که الفبا در نتیجه اثر صدا در گوش و حرکت دست پيدا شده است . دیگر دانشمندان دگر گونه گمانها زده اند ، کنجکاوی در پيدایش الفبا از حوصله اين مقاله بيرون است و خود يك مبحث جدا گانه و آموزنده است که سزاوار است در موقع مناسب مشروحاً از آن گفتگو بيمان آيد .

بحث ما اکنون در باره خط « دين دبیره » است که چکيدای اندیشه‌ی زرف بين ایرانی است .

دين دبیره نام خطی است که با زماندهی اوستا بدان خط بما رسیده است .

اوستا نام کتاب مقدس آشور زدشت سپنتمان است .

زدشت پیامبر پاك نهاد ایرانی است که برای نخستين بار در جهان دينداری ، آئين ارجمند يکتا پرستی را بجهان زیرين بارمغان آورد و پرچم «اندیشه نيك ، گفتار نيك ، كردار نيك» را بر پهنه ايران بر افراشت و عليه ديودروغ و نادروستی بمبارزه پرداخت .

آئين زدشت از جهان مینوی و عالم معنوی دم میزند و بدبنيان بالاترين اندر زهای اخلاقی را میاموزاند و راه و روش خوشبختی را ياد میدهد و از روز رستاخيز معنوی سخن بيمان میاورد و امشاسپندان را که عبارت از سير مراحل هفتگانه تطور و تکامل است ، راهنمای نيكو-کاران میداند تا بدان وسیله از «چينه وت» (پل داوری) بگذرند و بسرمزل «سپنتامینو» فرود آيند .

گاتاها گفته‌های گهرباری است که زدشت گفته و در شاهواری است که اين پیامبر پاك نهاد سفته و بر تارك جهان دين و دانش فرو هشته است . زدشت همه مردم را بكار و كوشش دعوت می كند و برای همه جهانيان آرامش و شادمانی خواستار است چنانکه در «های» ۲۸ بند (۱) میفرماید:

« اينك در نماز دستها را بلند کرده شادمانی خواستارم در كارها برای همه ، ای گوهر نخستين ، ای مزدای خوشبختی افزای پاك . اندیشه‌ی نيك و خرد (خواستارم) که آرامش بخشم جهان روان را.»

زدشت همه را بصلح و صفا و مهر و وفا میخواند و از جنگ و خونریزی بيزار است و پرهيز از خونریزی را خواستار -

در «های» ۱۲ تیکه ۹ میفرماید :

« ميستایم نيك مزدا پرستی را که دور کننده جنگ است ، بر زمین گذارنده اسلحه است و سازگاری و يگانگی دهنده است »

در دنباله همان سخنان ، کارهای خوب و سودمند و پسندیده را بهترین راه پرستش و نزدیکی بدرگاه دادار يکتا میداند و میگوید :

« همه کارهای نيك را به اهورامزدا پیشکش میكنم . اين است ستایش دين مزدا پرستی را.»

دين دبیره که نگاه دارنده اینگونه گوهرهای گرانبهاست بکی از خطهای هفتگانه است که در ايران باستان معمول و متداول بوده است . با رابطه مستقیمی که نكارش با دانش داشته و بمناسبت كسترشی که نياكان ما بفرهنگ خود بخشودند ، از جهان نيوغ و عبقریت روشهای

گوناگون نگارش را پدیدار ساختند که هر کدام بجای خود گماردند و بکار ویژه‌ای کار بستند، این خطهای هفتگانه از این قرار اند :

۱- هام دبیره : خط عمومی بوده و آنرا با بیست و هشت شیوه مینوشتند و در زمان آذرخور که حمزه اصفهانی از او نقل کرده است نام بسیاری از آن شیوه‌ها فراموش شده بود و آنچه بیاد مانده اینهاست :

داد دبیره : برای احکام دادگستری  
شهر آمار دبیره : برای حسابهای شهر  
گنج آمار دبیره : برای حسابهای خزانه  
کده آمار دبیره : برای حسابهای کشور  
آخور آمار دبیره : برای حسابهای اصطبلات  
آشان آمار دبیره : برای حسابهای آتش مقدس  
روانگان آمار دبیره : برای حسابهای اوقاف

۲- گشته دبیره : این خط بیست و هشت حرف داشته و با آن پیمانها و فرمانها را مینوشتند و روی دینار و درهم و انگشتر نقش میکردند .

۳- نیم گشته دبیره : این خط نیز دارای بیست و هشت حرف بوده و با آن طب و فلسفه را مینوشتند .

۴- فرورده دبیره : این خط دارای ۳۳ حرف بوده و منشورهای پادشاهی را با آن مینوشتند و ظاهراً این همان دبیره ایست که عبدالله ابن مقفع آنرا « کتاب الرسائل » ترجمه کرده است .

۵- راز دبیره : این خط برای نوشتن رازهای پادشاهان بوده و چهل حرف داشته .

۶- دین دبیره : این خط بی نظیر دارای ۶۰ حرف است و برای نوشتن و قرائت سرودهای دینی بکار میرفته است .

۷- ویسپ دبیره : معنی ویسپ دبیره خط کلی و جامع همه خطوط است . با این خط زبان رومی و بربری و هندی و چینی و نبطی و عربی و هراشاره و هر صدائی حتی شرش آب را مینوشتند . بروایت مسعودی این خط ۱۶۰ حرف و بروایت ابن ندیم ۳۶۵ حرف داشته است . از این قرار معلوم میشود برای نوشتن صداها و لغتهای مهم مختلف ۱۶۰ حرف و برای نوشتن صداها و غیر انسانی و اشارات ۲۰۵ حرف از حروف ویسپ دبیره بکار میرفته است (۱) .

از این مختصر بخوبی میتوان دریافت که دامنه نگارش در ایران باستان تا چه حد گسترش داشته و سازمانهای اداری چقدر وسیع بوده و امور دفتری و دبیری و اداری چقدر دقیق و رقیق و علمی بوده است .

دین دبیره بشرحی که در بالا گذشت و بزرگی نگارش ستایشها و نیایشها و رازها و نیازها و سرودها و آوازه‌های دینی بوده آنها هر کدام با آهنگها و نواهای ویژه بخود . این خط بکواهی خط شناسان جامعترین و کاملترین خطی است که تا کنون در فرهنگ بشری برشته تحریر در آمده است . دین دبیره آنگونه خط بی نظیری است که نه تنها قرائت صحیح را آسان و درست نشان میدهد بلکه جالب توجه آنکه طرز تلفظ کلمات و آهنگ سرودها و نوای زمزمه‌ها را هم در حین قرائت یاد میدهد ، یا بعبارت دیگر « نوت » آهنگ ضمن حروف این خط مندرج و مندمج است مانند نوت موسیقی .

ایرانیان از زمان باستان پای بند دین و آداب و رسوم دینی بوده‌اند : نماز و نیاز خود را با آهنگ و زمزمه که آنرا (واج) میگفتند میسرودند ، صحیح تلفظ کردن و آهنگ

خواندن سرودها از واجیات دین بشمار میرفته است .

بهمین مناسبت علم‌صداشناسی در ایران باستان مورد پژوهش فراوان قرار گرفت و آنقدر پرورش یافت تا بتکامل رسید . شاید ایرانی و هندی نخستین مردمی باشند که علم صداشناسی را از دیرزمان اینقدر مورد توجه و عنایت قرار دادند و بکمال رسانیدند و بکار بستند .

از همین علم صدا شناسی است که بالاخره علم «تجوید» در فرهنگ اسلامی پدید می‌آید و آن مقام ارجمند را احراز میکند و کتابهای بسیاری درباره آن مینویسند : علم تجوید در ایران و هند از پانزده سده پیش از میلاد متداول بوده ، هر چند نوشته‌های ایرانی در این فن شریف در قسطنطنیه و مغول‌زمین رفت ولی خوشبختانه هنوز نوشته‌های هندیان بزبان سنسکرت که هم‌ریشه‌ی بزبان اوستاست محفوظ مانده و گواه‌گویای این حقیقت است .

«تجوید : در لغت «خوب کردن است» و در اصطلاح ادا کردن هر حرف را از مخرجی که مخصوص اوست با صفاتی که مخصوص آن حرف تا ممتاز شوند حروف متقاربه که نزدیک‌اند با هم در مخرج و حروف متجانسه که متحدند در مخرج و متغایرند در صفت .

«ملاحظه : کلمه تجوید که در عربی از اصل جاد است بهیچ صورت و صیفه‌ای در قرآن بکار نرفته و معنی لغوی آن با معنی اصطلاحی آن هیچگونه ربطی ندارد . حقیقت اینست که کلمه‌ی جاد در عرب «گات» میباشد یعنی خواندن با آهنگ» خواننده‌ی گات راهم فرجاد نامند .

«اولین علمی که به تقلید عادات مذهبی قدیم عربی ترجمه شده علم تجوید است ولی چون تجوید از علوم ویژه مذهبی و در ایران منحصر به یک دسته مخصوص بوده، مسلمانان جز معلومات سطحی از آن چیز دیگر نتوانسته‌اند کسب کنند زیرا اگر با اصول این علم کاملاً آشنائی داشتند میتوانستند خط تجوید داشته باشند و مجبور نشوند برای قرائت هر کلمه‌ای شرح جداگانه‌ای در کتابهای مفصل خود بنویسند .

«از قراری که نوشته‌اند در زمان حجاج بن یوسف در عراق اختلافات خونین میان مسلمانان در قرائت آیات قرآنی پیدا شد . برای جلوگیری از اختلافات ، حجاج از کاتبهای ایرانی خود استمداد جست و در همین موقع است که حروف معجم کوفی که بعداً به آن اشاره خواهد شد از خطوط قدیم ایرانی اقتباس گردید .

«از ترتیب تجویدی آیات و عصریکه در آن قراء سبعه نشو و نما کردند و مدارک تاریخی دیگر ظاهر است که علم تجوید در حدود هشتاد هجری در میان مسلمانان رواج گرفته است .

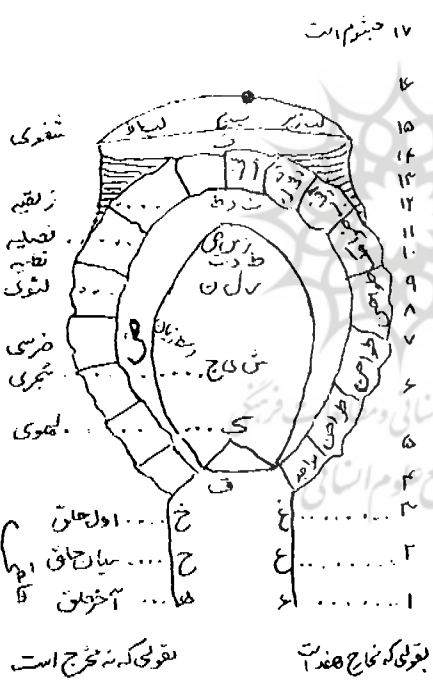
«خلاصه مسلمانان ایران با سواقی که از کتب دینی باستانی داشتند در تقسیم و تنظیم آهنگی آیات و نقل و تعریب اصطلاحات خدمت شایانی انجام دادند و کلمات : ای - سوره - جزو ... که همه کلمات دخیل میباشد و بسیاری از اصطلاحات و آثار دیگر، تقلید از گذشته رامیرساند . «تجوید یکی از سخت‌ترین علوم عملی است و اگر کسی سن مقتضی و استعداد موسیقی نداشته باشد هیچوقت موفق بفراتر آن نمیشود . برای نشان دادن سختی این علم عبارت ذیل از کتابهای تجوید نقل میشود :

«بدانکه لحن بردر قسم است : لحن جلی و لحن خفی - لحن جلی آنست که در کلمه یا در اعراب آن تغییری واقع شود چنانکه همه کس را معلوم باشد . لحن خفی آنست که حرف از مخرج خود ادا نشود مگر کسی را که فرا گرفته باشد این فن را از استاد ماهر و مدت مدید تعب کشیده و در ادای اشمام و اتقان و تحقیق و تسهیل و ادغام و اخفا و اختلاس و اشباع کوشیده ، مخارج و صفات حروف را دانسته، و محافظت حدود آن کرده باشد» (۱)

علم تجوید آنچنان دقیق و علمی است که سازندگان آن حتماً با تشریح گلو و زبان و لب و با طبیعیات و موسیقی آشنائی داشته‌اند زیرا درمخارج حروف، گلو، سق، زبان کوچک و بزرگ، دهان، دندان، لب و خیشوم بکار می‌رود. پس بهترین و ساده‌ترین و طبیعی‌ترین و علمی‌ترین خط آن خطی است که در تهیه و تنظیم حروف آن رعایت مقاطع و مخارج شده باشد. بمعلم ثانی این سینه رساله نسبت می‌دهند در «مخارج الحروف» یا «اسباب حدوث الحروف» که دارای شش فصل است بدین شرح:

فصل اول - سبب پیداشدن صدا  
فصل دوم - سبب پیداشدن حروف  
فصل سوم - تشریح گلو و زبان  
فصل چهارم - سبب‌های جزئی برای حرف از حروف عرب  
فصل پنجم - در حروفی که شبیه باین حروف است و در لغت عرب نیست  
فصل ششم - در اینکه این حروف از چه حرکتی غیر از نطق شنیده می‌شود.

با اینهمه اهمیتی که این علم را سزاست اروپائیان تا این اواخر بدان آشنائی نداشتند و از آن گفتگوئی بمیان نیاورده بودند. در این نزدیکی است که به‌رازدانشائی بی‌برده‌اند و در تحت عنوان فونیتیکس Phonetics از آن بحث می‌کنند. در عین حال با توجه به نکات یاد شده در بالا الفبای لاتین که تا با امروز اروپائیان بدان مباحث می‌کنند و تندیروان دو آتشه ما بدون مطالعه آنرا مناسب‌ترین الفبا برای ما میدانند نسبت بخط دین دبیره ناقص و نارسا است. نشان دادن نواقص خط لاتین و اثبات برتری دین دبیره از بحث امروز ما بیرون است.



دین دبیره آنچنان دقیق است که حتی در ترتیب دادن حروف آن رعایت نکات فنی و طبیعی و علمی شده است مثلاً چون اساساً در تلفظ حروف، گلو و سق و زبان و دندان و لب و خیشوم بکار می‌رود بهمان ترتیب حروف آغاز و انجام می‌یابد باین معنی که با «همزه» آغاز وبا «و» پایان می‌پذیرد.

ترتیب طبیعی و علمی خط که باید بامخارج حروف مطابقت داشته باشد و از گلو تا لب است از این قرار است:

طبیعی بودن ترتیب حروف بالا از شکل زیر بخوبی هویدا می‌گردد.

« همزه، الف، ه، ع، ح، غ، خ، ق، ك، ض، ج، ش، ی، ل، ر، ن، ط، د، ت، ص، ز، س، ظ، ذ، ث، ب، م، و» (۱)

این ترتیب طبیعی تا قرن چهارم هجری معمول و متداول بوده که ما اینک در فرهنگهایی که تا آزمان مینوشند

همین ترتیب را رعایت می‌کردند بعد از روی تعصبات جاهلانه این ترتیب علمی را بهم زدند و ترتیب ناموزون ابتدائی را جانشین آن ساختند.

باعتبار دیرزیستی و برتری فرهنگ ایران بر عرب در آغاز تماس این دو فرهنگ با هم، طبعاً فرهنگ عرب زیر تاثیر مستقیم تابش فرهنگ ایران قرار گرفت و از این رهگذر بهره‌فراوان برداشت. بی‌گمان از زمان خلافت عمر تا فرمانفرمائی حجاج بن یوسف که تا سال هشتاد هجری ادامه

۱- نقل از کتاب سیسویه که در اواسط سده دوم هجری تألیف شده است.

داشت روش اداری و محاسباتی و دبیری فرمانروایان عرب بفارسی بود. اساسا اززادان فرخ که رئیس دیوان محاسبات کوفه بود گرفته تا عبدالله ابن مقفع و ابومسلم خراسانی و برمکیان و نوبختیان و دیگر مردان علم و ادب و سیاست و کیاست ایرانی، نسبت بخلفای عرب و گسترش قلمرو فرهنگی و سیاسی و دینی عرب خدمات ارزنده ای کردند ولی نه تنها آنچنانکه شاید و باید مورد قدرشناسی قرار نگرفتند بلکه با آنها رفتار کردند و بسیاری از آنها را از دم شمشیر ستم گذراندند. البته این بی وفائیها و غداریهها و ستمگریها جنبه‌ی سیاسی و نژادی و خود خواهی داشت، نه دینی و مذهبی؛ پس از کشته شدن زادان فرخ بود که دست بدانان يك دانشمند ایرانی دیگر شدند بنام صالح سیستانی تا دفاتر را از فارسی بمری بی برگرداند و این کار دشواریهایی در برداشت زیرا تا آن زمان در زبان عرب نوشتن کسور و اضافات و علامات متداول نبود. صالح سیستانی بود که آنها را بیاراست و در طبق اخلاص گذاشت و تقدیم فرمانروایان عرب داشت. مردانشاه فرزند برومند زادان خان مقتول از جهت عرق ملیت و تمصب نژادی و برای نگهداری و پایداری فرهنگ ایرانی، صالح سیستانی را دعوت کرد که درازای صد هزار دینار از کار برانداختن بنیاد زبان فارسی دست بردارد ولی صالح سرسختی ورزید و نپذیرفت. از آن زمان است که نفوذ ادبی فارسی در قلمرو حکومت عربی بظاهر رو بکاهش می‌رود، معهذانه نفوذ معنوی و هنری و علمی و ادبی و فلسفی ایرانی در تمام شئون خلافت اموی و عباسی بویژه در زمان هارون و مامون سیر تکاملی خود را همچنان می‌بینماید تا باوج اعلا‌ی خود میرسد. در این دوره است که بیشتر مردان برگزیده لشکری و کشوری و علمی و ادبی حکومت عربی، دانشمندان و سیاستمداران و جنگجویان آوران ایرانی تشکیل میدادند.

اساسا خود خط کوفی از خط دین دبیر سرچشمه گرفته است. شکل زیر این حقیقت را نشان میدهد.

اوستا	کوفی	اوستا	کوفی
ا	ا	ب	ب
ب	ب	گ	گ
گ	گ	د	د
د	د	س	س
س	س	ز	ز
ز	ز	ح	ح
ح	ح	ط	ط
ط	ط	ث	ث
ث	ث	ج	ج
ج	ج	چ	چ
چ	چ	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ
گ	گ	ز	ز
ز	ز	س	س
س	س	د	د
د	د	پ	پ
پ	پ	ف	ف
ف	ف	ق	ق
ق	ق	ک	ک
ک	ک	خ	خ
خ	خ	گ	گ

زیرا با شکست ایران و تاراج رفتن گنجینه‌های مادی و معنوی ایران، اوستا و سایر کتابهای دینی و فلسفی و علمی و ادبی و تاریخی و هنری ایران از میان رفت و دینداران بودند که ناچار شدند کتاب مقدس دینی خود را سینه بسینه حفظ کنند سپس خط دین دبیره را آراستند تا محفوظات خود را بدینسان بنگارند و پایدار نگاه دارند، بعبارت دیگر دین دبیره را مرحله تکامل خط پهلوی میدانند.

اساساً انواع خطوط بر چندین گونه است: از قبیل خطوط رسمی و نقشی و علامتی و حرفی قراردادی ابثی و ملفوظی طبیعی علمی. از همه مهمتر همان خط طبیعی است، البته بهترین خط آن خطی است که پیروی از طبیعت کند یعنی شکل حروف با رعایت مقاطع و مخارج گلو و سق و زبان و دندان و خیشوم و لب پیکره پذیرد.

این فن شریف که در ایران باستان باوج اعلائی ترقی و تکامل رسید پس از سپری شدن روزگار شاهنشاهی ساسانیان چنانکه شاید و باید توجهی بان نشده و نمیشود (۱) بلکه بدست فراموشی سپرده شده است. در این اواخر که رازشکفت انگیز برتری این خط را دریافته‌اند اینک اندک توجهی بدان میشود یعنی از میان دو ملیون و اندی دانش آموزان و دانشجویان امروزه تنها تنی چند انگشت شمار در دوره‌ی دکترای ادبیات بدین دبیره و اوستا رو می‌آورند و آنها را فرامیگیرند. شاید آنهم نه برای برتری ارزنده‌یی که دین دبیره را و فروغ تابنده‌یی که اوستا را راست بلکه برای اینکه برگگی بنام گواهینامه بدست آورند و عنوانی ربایند تا نردبان پیشرفت خود سازند.

گاه آن فرارسیده که از گران خواب خود ناشناسی بدر آئیم و میراث گرانبهایی که ما را از نیاکان بازمانده آویزه گوش هوش کنیم و از ارزشهای معنوی آنها بهره بریم. مجله مهر بدین مهم همت می‌گمارد؛ نخست خط دین دبیره را میشناساند سپس از اندر-های ارزنده‌ی نهفته‌ی در گفته‌های دینداران ایران باستان و دیگر پیام‌آوران یاد میکند، باشد که تابش اینگونه دانشهای آسمانی در جانها جای گزیند تا آئین راستی و درستی و پاکی و تابناکی استوارتر گردد و تمدنی درخشان آید و از رنجهای مینوی بگشاید. بی‌گمان برای رهبری و دستگیری جهانیان از زمان باستان پیامبران فراوان دستورهای فروزان از بارگاه یزدان آورده‌اند. هر یک از این پیامبران پاکتهد باقتضای زمان و مکان گوهرهایی از بهترین گفته‌ها گفته و بر جای گذاشته و گذشته‌اند. بر ماست که این گوهرهای گرانبها را گرد آوریم و در اورنگ فرهنگ بشری بر نشانیم و بر تارک افتخار اشرف مخلوقات جای دهیم. تابش همچو دانشی که بر پایهٔ بینش باشد، ژرفای آسمانها را روشن خواهد ساخت. مجله مهر از هر باغی گلی میچیند و از هر کانی گوهری میگیرد و از هر دینی دستوری بر می‌گزیند بویژه از تعالیم عالیه دین مبین محمدی و در طبق اخلاص مینهد و به پیشگاه پویندگان راه حق و جویندگان سعادت مطلق با دست ادب تقدیم میدارد.

یک نکته بیش نیست غم عشق و بن عجب از هر زبان که میشنوم نامکر است

۱- میتوان گفت از زمان تاراج رفتن گنجینه فرهنگ ایران باستان تا با مرز آقای بهروز نخستین دانشمند ایرانی است که همت بدین مهم گمارده است. روش ابداعی ایشان آنچنان سهل و آسان و طبیعی و علمی است که کودکان دوسه ساله را قرائت را در چند روز بخوبی یاد میدهد، حتی توفیق یافته که لاله‌ها را نیز یاد بدهد. اساساً آقای بهروز در امر آموزش و پرورش روشی آورده که ویژه‌ی خود اوست و معتقد است که اگر این روش همگان گردد گر گونگی در کار آموزش و پرورش جهان پدید آید، هم گوید که در نتیجه دشواریهای الفبای کنونی است که دوسوم مردم جهان بیسواد مانده‌اند و این روش میتواند در بر انداختن بیسوادی کمک مؤثری باشد. در این باره باز گفتگو میکنیم.